

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۸

بررسی نحوی و ساختواژی اسامی خویشاوندی در زبان‌های حاشیه کاسپین

جهاندوست سبزلپیور*

چکیده

اسامی خویشاوندی به اسم‌هایی گفته می‌شود که برای نشان دادن روابط خانوادگی و نیز خطاب اعضای خانواده از آنها استفاده می‌شود؛ مانند پدر، مادر، خواهر، برادر، دختر و غیره. این اسامی از نظر نحوی و ساختواژی در تعدادی از زبان‌ها مستقل عمل می‌کنند. در چنین زبان‌هایی این استقلال نحوی و ساختواژی در دیگر حوزه‌های زبان کمتر دیده می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی این اسامی در برخی زبان‌های حاشیه کاسپین، یعنی گیلکی، تالشی و تاتی است. از زبان گیلکی، گونه رشتی، از زبان تالشی، گونه مرکزی پره‌سری (*parasari*) و از زبان تاتی، گونه دروی (*deravi*) انتخاب شده است. از بررسی داده‌های تحقیق، این نتیجه حاصل می‌شود که از نظر نحوی شکل فاعلی و غیرفاعلی این اسامی همانند شکل فاعلی و غیرفاعلی دیگر کلمات این زبان‌ها نیست. این واژه‌ها در حالات فاعلی و غیرفاعلی دو شکل جداگانه دارند و این حالات، مختص خودشان است. از نظر ساختواژی نیز قانون خاصی بر این کلمات حکم فرماست؛ یعنی طرز ساخت آنها با بقیه متفاوت است. به‌عنوان مثال، اسامی خانوادگی گیلکی ترکیب‌های پنج‌جزئی می‌سازند که این امر نه تنها در زبان‌های دیگر ایرانی کم‌سابقه است، بلکه در خود زبان گیلکی هم، اسامی مرکب دیگر چنین ویژگی‌ای ندارند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های حاشیه کاسپین، اسامی خویشاوندی، گیلکی، تالشی، تاتی.

۱- مقدمه

در هر زبان، شماری واژه برای اشاره به اسامی خانوادگی وجود دارد؛ این اسامی از جمله کلمات بنیادی زبان هستند که کمتر دچار تغییر شده‌اند. در زبان‌های حاشیه کاسپین (گیلکی، تالشی و تاتی) اسامی خانودگی در جایگاه‌های نحوی مختلف، شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرند. این شکل‌های مختلف نحوی حاصل افزوده شدن تکواژهای خاصی به آن اسامی هستند و فقط در این گروه از واژه‌ها عمل می‌کنند. از نظر صرفی و ساختنوازی هم این اسامی از قوانین خاصی پیروی می‌کنند که در جاهای دیگر نمی‌توان سراغ کرد.

برای انجام این پژوهش، هم از داده‌های میدانی و هم از داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شده‌است. هر کدام از سه زبان تاتی، تالشی و گیلکی، گونه‌های مختلفی دارند. در این پژوهش، برای نتیجه‌گیری بهتر از هر زبان یک گونه انتخاب شده است. **تاتی دروی** (*deravi*)، گونه‌ای رایج در روستای **درو** از توابع شاهرود خلخال در استان اردبیل است. **تالشی پرمسری** (*parasari*) گونه‌ای است از زبان تالشی مرکزی که در بخش **پرمسر** شهرستان رضوان شهر رایج است.

۲- روابط نحوی اسم‌های درون یک جمله

زبان‌های دنیا از سه شیوه رایج برای نشان‌دادن روابط دستوری بین موضوع‌های فعل در جمله استفاده می‌کنند؛ به عبارت دیگر، سه راه وجود دارد که زبانی نشان دهد کدام اسم درون جمله، فاعل؛ کدام مفعول مستقیم؛ مفعول غیرمستقیم و غیره است. این سه شیوه عبارتند از:

۱-۲ توالی واژه‌ها

در برخی از زبان‌های دنیا، توالی واژه‌ها یا جایگاه یک موضوع درون جمله، فاعل یا مفعول بودن آن موضوع را مشخص می‌کند. برخی از زبان‌ها، از این شیوه برای نشان‌دادن فاعل و مفعول بهره می‌برند. در زبان‌هایی که از شیوه توالی واژه‌ها استفاده می‌شود؛ هر گروه اسمی جایگاه ثابتی در جمله دارد. برای مثال در زبان انگلیسی - فاعل و مفعول دارای جایگاه ثابتی در جمله هستند و بر اساس جایگاه آنها در جمله مشخص می‌شود که کدام گروه اسمی، فاعل و کدام مفعول است (Tallerman, 1998: 146). برای مثال:

۱) *The snake killed the bird.*

2) *The bird killed the snake.*

تتها توالی واژه‌ها است که نشان می‌دهد در جمله ۱، *the snake*، فاعل و *the bird* مفعول است و در جمله ۲، این نقش‌ها عوض شده‌اند.
در زبان فارسی نیز گاه توالی واژه‌ها نقش کلیات را مشخص می‌کند. مانند:
۳- پرنده مار می‌خورد.

در جمله شماره ۳، پرنده، فاعل است، چون در آغاز جمله ظاهر شده است، اگر پرنده، وسط جمله ظاهر شود؛ یعنی جمله چنین باشد: «مار، پرنده می‌خورد»، دیگر پرنده فاعل نخواهد بود. در زبان‌هایی که از این شیوه برای نشان دادن روابط دستوری استفاده می‌کنند توالی واژه‌ها تا حدود زیادی ثابت است، اما اگر زبانی از شیوه‌های دیگر برای نشان دادن روابط دستوری بهره برد، توالی کلیات آن می‌تواند آزاد باشد یا دست‌کم قید و بندهای توالی واژه‌های ثابت را نداشته باشد.

۲-۲ مطابقه

راه دوم نشان دادن نقش‌های دستوری، مطابقه یک یا هر دو نقش با فعل جمله است. اگر در جمله، فعل را هسته و موضوع‌ها را وابسته بدانیم، زبان‌ها می‌توانند هسته یا وابسته‌ها را نشان‌دار کنند. زبان‌هایی که هسته را نشان‌دار می‌کنند، از نظام مطابقه استفاده می‌کنند و زبان‌هایی که وابسته‌ها را نشان‌دار می‌کنند از شیوه سوم؛ یعنی نظام حالت‌نمایی استفاده می‌کنند. در زبان‌هایی که از روش دوم استفاده می‌کنند، یک یا هر دو گروه اسمی هسته جمله با فعل جمله مطابقت دارند. معمولاً وندهایی که در مطابقه به فعل افزوده می‌شوند، نشان‌دهنده ویژگی‌هایی همچون شخص، شمار، جنس دستوری فاعل یا مفعول یا هر دو هستند. وجود شناسه برای نشان دادن مطابقه فاعل و فعل در اکثر جمله‌های فارسی نیز نشان‌دهنده این امر است (راسخ‌مهند، ۱۳۸۴: ۱).

۳-۲ حالت‌نمایی

در شیوه حالت‌نمایی، گروه‌های اسمی، هر یک به روشی نشان‌دار می‌شوند و آن نشانه می‌تواند فاعل یا مفعول بودن آن‌ها را نشان دهد. در این زبان‌ها وابسته‌های فعل نشان‌دار می‌شوند و هسته بدون نشانه باقی می‌ماند (Tallerman, 1998: 180).

۳- اسامی خانوادگی در زبان‌های ایرانی دوره باستان

در ایرانی باستان اسم‌های خانوادگی مانند اسامی دیگر در حالت‌های گوناگون شکل‌های مختلف می‌گرفتند. در زیر، شکل‌های گوناگون اسامی خویشاوندی در زبان‌های ایرانی دوره باستان ذکر می‌شود (مثال‌ها از Kent, 1953; Jackson, 1892 است):

pitā حالت فاعلی مفرد؛ *pitar* حالت‌های غیرفاعلی؛ *pid* در حالت صریح مفرد و ندایی. چنان‌که از نمونه‌های بالا پیداست، *pitā* و *pitar* دو شکل از یک اسم خانوادگی هستند که بر حسب جایگاه نحوی خویش حالت‌های مختلفی گرفته‌اند. همین حالت در مورد اسم‌های زیر نیز صادق است:

brātā «برادر» در حالت فاعلی مفرد؛ *brātar* در حالت غیر فاعلی (در قیاس با *pitā*)؛
mātā «مادر» در حالت فاعلی مفرد؛ **mātar* در حالت غیر فاعلی؛

**duyitar* «دختر»، اوستایی: *duyatar, duydar*

فارسی باستان: *puça-*، اوستایی: *puθra-* «پسر» در حالت فاعلی مفرد، *puçā* در حالت

فاعلی جمع، اوستایی: *puθra-*

**xwāθra*، اوستایی: *xvanθhar* «خواهر».

۴- اسامی خانوادگی در زبان‌های ایرانی دوره میانه

در دوره میانه، حالات مختلف (هشت‌گانه / شش‌گانه) اسم که در دوره باستان به چشم می‌خورد، از بین رفته و اسم فقط دو شکل صریح و غیرصریح به خود گرفته است. در زیر نمونه‌هایی از حالات‌های مختلف اسم در زبان‌های ایرانی میانه غربی ذکر خواهد شد (مثال‌ها از Nyberg, 2003):

brād «برادر» در حالت صریح مفرد و جمع؛ *brādar* در حالت غیرصریح مفرد و جمع؛

xwāh «خواهر» حالت صریح مفرد؛ *xwāhar* حالت غیرصریح مفرد؛

mād در حالت صریح مفرد؛ *mādar* در حالت غیرصریح مفرد (البته در این مورد فرم *mād*

علاوه بر حالت صریح در مواردی نیز برای حالت غیرصریح به کار می‌رود):

duxtar در حالت صریح مفرد؛ *duxtar* در حالت غیرصریح مفرد؛

pus در حالت صریح مفرد، *pusar* در حالت غیرصریح مفرد. *pusān* در حالت صریح جمع،

pusarān حالت غیر صریح جمع.

مثال از پارتی (رضایی باغییدی، ۱۳۸۸: ۵۳):

4) *tō ay pid* (مفرد) *čē imīn harwīn karišn. (af 1)*

تویی پدر همه این آفرینش.

5) *hāwsār dwādis čihrag bāmēn čē pidar* (غیرفاعلی مفرد) *rōšn. (ah 1)*

همانند دوازده چهره درخشان پدر روشنی.

6) *ud nimāyān pidarān* (غیرفاعلی جمع) *xwēbēh. (cx 2)*

و بنایانم پدران خویش را.

طبق نمونه‌های بالا، در زبان‌های ایرانی دوره باستان و همچنین دوره میانه، اسم‌های خانوادگی مانند «پدر»، «مادر»، «خواهر»، «برادر»، «دختر»، «پسر» برای نشان دادن روابط نحوی درون جمله شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرند و این شکل‌های ویژه نام‌های خانوادگی که نوعی حالت‌نمایی است، در زبان‌های ایرانی نو از جمله زبان‌های شمال‌غربی حاشیة دریای کاسپین تا به امروز نیز به نوعی باقی مانده‌اند.

۵- پیشینه پژوهش

مورگان مردم‌شناس آمریکایی (۱۸۸۱-۱۸۱۸) نخستین کمی است که به بررسی اصطلاحات خویشاوندی در زبان‌های دنیا پرداخته است. وی اثر خود را با عنوان *نظام‌های روابط نسبی و سببی انسان‌ها* در سال ۱۸۷۱ منتشر کرد. پس از مورگان، موردک^۲ (به نقل از استاجی، ۱۳۹۴: ۵) شش الگو برای روابط خویشاوندی ارائه کرد که شامل الگوهای زیر است: الگوی خویشاوندی هاوایی^۳، سودانی^۴، اسکیمویی^۵، ایروکوئی^۶، کرو^۷، اوهاما^۸. بینس و پلاگ (۱۳۷۵) در فصلی از

۱ Morganf

2 Murdoch

3 Hawaiian

4 Sudanese

5 Eskimo

6 Iroquois

7 Crow

8 Omaha

کتاب *انسان‌شناسی فرهنگی*، فصلی را به خویشاوندی، زناشویی و سازمان خانوار اختصاص داده‌اند. باطنی (۱۳۷۸) با توجه به حوزه‌های معنایی مختلف، واژگان خویشاوندی فارسی و انگلیسی را بررسی کرده است؛ وی تقسیم‌بندی روابط خویشاوندی زبان فارسی را در مقایسه با زبان انگلیسی ظریف‌تر می‌داند. رضایتی کیشه‌خاله و چراغی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی واژه‌شناسی اجتماعی گویش گیلکی پرداخته و در بخشی از این مقاله، واژه‌های خویشاوندی گیلکی را ذکر کرده و از نظر اجتماعی آنها را بررسی کرده‌اند. استاجی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی» از منظر تاریخی و رده‌شناختی اصطلاحات خویشاوندی را در زبان فارسی بررسی کرده و نشان داده است که اولاً نظام اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی با همگانی‌های گرینبرگی مطابقت دارد و دوم اینکه از دیدگاهی تاریخی اصطلاحات مربوط به يك خانواده هسته‌ای شامل پدر، مادر، خواهر، برادر، دختر، پسر، زن و شوهر از دوره باستان به امروز رسیده‌اند؛ اما اصطلاحات مربوط به عمه، عمو، خاله، دایی از عربی و ترکی وامگیری شده‌اند. منصوری و رحمانی (۱۳۹۴) در پژوهشی، اصطلاحات خویشاوندی بیش از پنجاه گویش ایرانی را بررسی کرده، به این نتیجه رسیده‌اند که اکثر گویش‌های مورد مطالعه از الگوی یکسانی پیروی می‌کنند؛ ولی در شمار از آنها، تفاوت‌هایی هر چند اندک وجود دارد که جالب توجه است. نصرتی سیاهزگی (۱۳۹۶) در مقاله «ساخت واژگان خویشاوندی تالشی با رویکرد اجتماعی»، اصطلاحات خویشاوندی را گردآوری و آنها را به **بنیادی**، **ترکیبی**، **ناتی** و **ساختگی** تقسیم کرده، و ارجاعی و خطابی بودن آنها را مورد بررسی قرار داده است.

در مورد حالت‌های نحوی اسامی خانوادگی در زبان‌های ایرانی دوره باستان نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. در باب اسامی خانوادگی زبان اوستایی، جکسون^۱ (2004: 93) نمونه‌هایی آورده است. کنت^۲ (1952: 64) نیز در زمینه حالات اسامی خانوادگی زبان فارسی باستان به نکاتی اشاره کرده است. در مورد اسامی خانوادگی تاتی جنوبی در اطراف قزوین، یارشاطر (۱۹۶۹) مواردی را برشمرده است. در زمینه ویژگی‌های نحوی و صرفی اسم‌های خانوادگی زبان‌های گیلکی، تالشی و تاتی تا جایی که نگارنده جستجو کرده، تحقیقی صورت نگرفته است.

۱ Jackson

۲ Kent

۶- اسم‌های خانوادگی در زبان‌های ایرانی حاشیه دریای کاسپین

در ادامه، اسم‌های خانوادگی زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی از مجموع زبان‌هایی ایرانی شمال‌غربی که در کرانه جنوبی دریای کاسپین رایج هستند، از نظر نحوی و ساختوازی بررسی می‌شوند.

۱-۶ بررسی نحوی اسم‌های خانوادگی

اسامی خانوادگی پدر، مادر، خواهر، برادر، دختر و غیره، در زبان‌های مورد بررسی، از نظر نحوی رفتار ویژه‌ای دارند؛ یعنی در جایگاه‌های مختلف نحوی به جای اینکه از قوانین نحوی رایج در آن زبان‌ها پیروی کنند، از قوانین خاص خود پیروی می‌کنند که در هیچ کجای آن زبان نظیر ندارد. در زیر نمونه‌هایی از این تمایز در زبان تاتی گونه دروی، تالشی پره‌سری و گیلکی مرکزی ذکر می‌شود.

۱-۱-۶ گونه دروی

در تاتی گونه دروی اسم‌هایی که نشان‌دهنده اصطلاحات خانوادگی^۱ هستند، به دو حالت فاعلی و غیرفاعلی ظاهر می‌شوند. در حالت فاعلی، اسم بدون تک‌واژ صرفی است و در حالت غیرفاعلی تک‌واژ *-r* یا *-ar* به صورت پسوند به آخر اسم اضافه می‌شود. تک‌واژ *-r* به اسم‌های مختوم به واکه *â* اضافه می‌شود. حالت‌های گوناگون اسم‌های روابط خانوادگی در جدول شماره یک آمده است:

جدول شماره ۱: حالت‌های مختلف اسامی خانوادگی در تاتی دروی

حالت فاعلی	حالت غیرفاعلی	اسامی خانوادگی
<i>barâ</i>	<i>barâ-r</i>	برادر
<i>pe</i>	<i>pi-ar</i>	پدر
<i>zâ</i>	<i>zâ-r</i>	پسر
<i>xâv</i>	<i>xâv-ar</i>	خواهر
<i>dat</i>	<i>dat-ar</i>	دختر
<i>zen</i>	<i>zen-ar</i>	زن

<i>šu</i>	<i>šu-ar</i>	شوهر
<i>mâ</i>	<i>mâ-r</i>	مادر

مثال‌های ۷ تا ۱۹ جملاتی از تاتی گونه دروی هستند که در آنها اسم‌های روابط خانوادگی در

نش‌های مختلف به کار رفته‌اند:

الف) حالت غیرفاعلی در زمان حال:

- 7) *a aštan zâ-r zana*
3sg: Nom 3sg: Poss son- Acc hit: Pres

او پسرش را می‌زند.

- 8) *aštan zen-ar kərâ vārə ka.*
3sg: Nom wife- Acc is bring: Pres home

او دارد زنش را به خانه می‌آورد.

ب) حالت غیرفاعلی در زمان گذشته:

- 9) *ča xāv-ar pirârsâl mar bəkard.*
3sg: Poss sister-Abs 2 years ago marry do: Pst

خواهر او دو سال پیش ازدواج کرد.

- 10) *tə čəman šu-ar na sarbâz biš.*
2sg: Abs husband: Obl with soldier be: Pst

تو با شوهرم سرباز بودی.

- 11) *hasan-ə mâ-r ku nânə-mân egata bə.*
Hasan-Gen mother: Obl from bread-Clt take: Pst had

از مادر حسن نان گرفته بودیم.

- 12) *a pârşâl aštan bərâ-r na bəşe šar.*
3sg: Abs last year 3sg: Poss brother: Obl with go: Pst city

او پارسال با برادرش به شهر رفت.

- 13) *avân ča pi-ar râ-šâ payâm âdâ.*
3Pl: Abs 3sg: Poss father: Obl for-Clt message send: Pst

آنها برای پدرش پیغام فرستادند.

(ج) حالت فاعلی در زمان گذشته:

14) *čəman mâ bəše .*

1sg: Poss mother: Abs go: Pst

مادرم رفت.

15) *šəma čəman pe nə-vind?*

2Pl: Erg 1sg: Poss father: Abs not-see: Pst

شما پدرم را ندیدید؟

علاوه بر واژه زن (*zen*)، در تاتی از واژه *zenak* هم استفاده می‌شود و در این کلمه *-ak* مانند زبان فارسی دربردارنده معنای تحقیر یا تحقیر نیست. شکل غیرفاعلی این کلمه، *zenakə* است که در زیر به هر دو شکل آن اشاره شده است:

(د) با فعل متعدی ماضی (ارگیتو):

16) *a zenak.ə man bind.*

that woman- Erg 1sg: Abs see past. 3sg

آن زن مرا دید.

(ه) با فعل لازم ماضی:

17) *a zenak bâma.*

that woman- Abs come : past. 3sg

آن زن آمد.

همان‌گونه که از مثال‌های ۱۶ و ۱۷ معلوم است، کلمه *zanak* در دو حالت فاعلی و غیرفاعلی پسوند *-ak* را به همراه دارد و به روشی دیگر حالت خود را نشان داده است؛ یعنی نقش آن از جایگاهش در جمله آشکار می‌شود. نکته اینکه پسوند *-ak* در این اسم، در تاتی نشانه تحقیر نیست، در تاتی گونه دروی – و همان‌طور که در بخش‌های بعدی نیز ذکر خواهد شد، در بیشتر زبان‌های ایرانی – پسوند *-ak* که بر سر اسامی خانوادگی مثل *mard-ak*, *zan-ak* می‌نشیند، یک نشانه نحوی است.

برخلاف واژه *zan-ak*، واژه *zen* «زن» در تاتی گونه دروی، دو شکل فاعلی و غیرفاعلی دارد،

حالت فاعلی اش *zen* و حالت غیرفاعلی اش *zen-ar* است. واژه «مرد» *merdak* دو حالت فاعلی و غیرفاعلی دارد؛ یعنی مانند زن چهار شکل (*zen/zenar/zanak/zenakə*) ندارد.

18) *ča zen baše raz.* زنش رفت باغ (لازم ماضی).

19) *ča zen-ar man bāt.* زنش به من گفت (متعدی ماضی).

واژه *zenak* در تاتی، اغلب وقتی ظاهر می‌شود که معرفه غیراضافه باشد؛ یعنی معرفه باشد، اما مضاف‌الیه نباشد؛ اگر مضاف‌الیه باشد، شکل آن مانند جمله‌های شماره ۱۶ و ۸ *zan-ar* خواهد بود.

۶-۱-۲ تالشی گونه پرسی

در زبان تالشی پرسی هم، اسامی خانوادگی در جمله بر حسب جایگاه نحوی خود، شکل‌های خاصی می‌گیرند. اسامی خانوادگی تالشی پرسی در جدول زیر آمده است (مثال‌ها از رضایتی کیشه‌خاله و خادمی‌ارده، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۲):

جدول شماره ۲: حالت‌های مختلف اسامی خانوادگی در تالشی پرسی

فاعل	غیرفاعلی	معنی
<i>bərv-ar</i> (مثلاً: <i>bərvar zâ</i>)	<i>bərâ</i>	برادر
<i>šu-ar</i> (مثلاً: <i>šuar zua</i>)	<i>šu</i>	شوهر
<i>xu-ar</i> (مثلاً: <i>xuara zâ</i>)	<i>xâ/xâlâ</i> ^۱	خواهر
<i>xəri-ar</i> (مثلاً: <i>xəriar zâ</i>)	<i>xəri</i>	برادر شوهر

همان‌طور که از جدول پیداست، در تالشی گونه پرسی تعدادی از کلمات خانوادگی دو شکل

۱ شکل *xâlâ* برای خواهر در زبان تالشی در اصل *xâ-lâ* است؛ یعنی *xâ* «خواهر» به همراه *lâ* پسوندی که بیشتر برای تحبیب و نکوداشت به کار می‌رود؛ مانند *bərâlâ* «برادر عزیز»، *dadalâ* «پدر عزیز». این ترکیب گویا امروزه شکل تحبیب خود را از دست داده و به شکل خنثی به کار می‌رود. در تاتی خلخال این ترکیب به صورت *xâv-le*. «خواهر عزیز» به کار می‌رود که مرکب از *xâv* (صورت فاعلی کلمه خواهر) و پسوند تحبیب *le* است.

دارند و شکل غیرفاعلی آنها مختوم به *-ar* است. از این کلمات *xəri* «برادر شوهر» که در تاتی به صورت *xəyvar* تلفظ می‌شود، فقط یک صورت خود را حفظ کرده و در جایگاه غیرفاعلی مانند دیگر اسامی، پسوند *-ə* به آخر اضافه می‌شود؛ به عبارت دیگر، اسم *xəyvar* در تاتی دروی از این منظر یک اسم معمولی و بدون نقش محسوب می‌شود.

کلمه‌های *merdak* «مرد» و نیز *ženak* «زن» در زبان تالشی همانند تاتی هستند؛ در این دو واژه پسوند *-ak*، پسوند تحقیر نیست. صورت‌های مزبور شکل ساده یا مطلق این دو کلمه هستند که در حالت غیرفاعلی وند *-i* به آنها افزوده می‌شود.

نکته: در کنار اسم *ženak* (زن)، در تالشی پره‌سری، واژه *žen* هم به کار می‌رود:

20) *merdaki aštan ženaki na va ila javona kila na zindəgi kari.*

مردی با زنش و با دختر جوانی زندگی می‌کرد (لازم ماضی، حالت غیرفاعلی^۱).

21) *ženaki vâta.*

زن گفت (متعدی ماضی، حالت غیرفاعلی).

22) *ženak aštan šuar vitraka.*

زن به شوهرش حمله کرد (لازم ماضی، حالت فاعلی).

23) *ženaki čayi râ las barda.*

زن برای او چوب برد (متعدی، ماضی).

۳-۱-۶ زبان گیلکی

در گیلکی مرکزی نیز، مانند تاتی و تالشی، اسامی خانوادگی، قوانین نحوی ویژه‌ای دارند و در جایگاه‌های مختلف نحوی صورت‌های خاصی به خود می‌گیرند. باید توجه داشت که زبان گیلکی زودتر از برخی زبان‌های ایرانی دچار فروپاشی شده است؛ جاذبه‌های گردشگری نواحی گیلک‌زبان و به تبع آن ورود گردشگران به شهرها و روستاهای مذکور – به‌ویژه در مناطقی که گیلکی مرکزی

۱ در زبان تاتی و تالشی فعل‌های مرکبی که از فعل ساده متعدی ساخته می‌شوند، همواره متعدی محسوب می‌شوند؛ به‌عنوان مثال فعل «غصه خوردن»، متعدی محسوب می‌شود؛ زیرا در ساختار آن، فعل «خوردن» به کار رفته است، بنابراین در ماضی، ساخت ارگتیو را رعایت می‌کند. در مثال بالا نیز فعل، مرکب لازم است، اما دارای ساخت ارگتیو است (برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: سبزیلیور، ۱۳۹۱: ۱۴۱ و ۲۵۲).

رواج دارد- یکی از دلایل مهم این فروپاشی زبانی است. تأثیرپذیری گیلکی از زبان‌های دیگر، به‌ویژه زبان فارسی، در حوزه‌های آوایی، واژگانی و نحوی مشهود است. شماری از ویژگی‌های کهن نحوی گیلکی در حال گذر به ویژگی‌های نو هستند و میزان این گذار برحسب سن و منطقه گویشی از گویشوری به گویشوری دیگر متفاوت است؛ با این وجود در زیر کوشش شده است شماری از قوانین حاکم بر حالت‌پذیری اسم‌های خانوادگی در این زبان، استخراج و ارائه شود.

در مثال‌های زیر، هرکدام از اسامی خانوادگی زبان گیلکی گونه مرکزی که می‌توانند چند شکل به خود بگیرند، بررسی شده‌اند. شواهد گیلکی این بخش، علاوه بر داده‌های حاصل از مطالعات میدانی، از کتاب *دوازده شو* (مجموعه داستان گیلکی)، به کوشش محاجر معتمدی و میرعباد موسوی (۱۳۹۷) و *بنفشه‌گول* (مجموعه داستان گیلکی)، به کوشش جمهری (۱۳۸۴) انتخاب شده‌است.

جدول شماره ۳: صرف اسامی خانوادگی در گیلکی مرکزی

شکل اول	شکل دوم	شکل سوم	شکل چهارم
مرد	<i>mard</i>	<i>marday/mardây</i>	<i>mardâkə</i>
زن	<i>zan</i>	<i>zanay/zaznây</i>	<i>zanâkə</i>
پچه / فرزند	<i>zâ</i>	<i>zây</i>	<i>zâkə</i>
پسر	<i>pesar</i>	<i>pəsaray</i>	<i>pəsarakə</i>
دختر	<i>doxtar</i>	<i>doxtaray</i>	<i>doxtarakə</i>
مادر	<i>mâr</i>	<i>mâre</i>	-
پدر	<i>pēr</i>	<i>piyar</i>	-
برادر	<i>bərâr</i>	<i>bərârey^۱</i>	-

مرد و زن علاوه بر چند شکل فوق، شکل‌های دیگر هم دارند که احتمال می‌رود این دو شکل، امروز تحت‌تأثیر زبان فارسی رایج شده باشند: *mardə* (مرد در حالت غیرفاعلی) و *zana* (زن)

۱ شعر زیر از اشعار عامیانه مشهور زبان گیلکی است. در این شعر «برادر» در حالت ندایی (*bərârey*) به کار رفته است:

براری چاربدار خاخور تی قوریان تی پیرهن چلکینه، مثله غریبان

در حالت غیرفاعلی). البته پرداختن به چنین مقوله‌ای در زمان حاضر برای زبان گیلکی شاید کمی دیر باشد؛ زیرا میان گویشوران، در کاربرد حالت‌های گوناگون این اسم‌ها ناهمسانی دیده می‌شود. در زیر، شکل‌های مختلف شماری از اسامی خانوادگی گیلکی در جمله نشان داده شده است.

۱-۳-۱-۶ *zâ/zâka/zâk/zây* (بچه، فرزند، زاده)

اسم بالا از اسم‌های خانوادگی پرسیامد زبان گیلکی است که چهار شکل دارد:

جدول شماره ۴: مثال‌هایی برای اسامی خانوادگی گیلکی مرکزی

24) <i>mi bærâr zâ še dânašgâ.</i>	برادرزاده من دانشگاه می‌رود.	<i>zâ</i>
25) <i>mi xâxur zâ bušu bajâr.</i>	خواهرزاده من رفت شالیزار.	
26) <i>zây! bidin hâji abdollâ a kâqazâ miyân či binvište?</i>	بچه جان بین حاجی عبدالله در میان آن کاغذ چی نوشته؟	<i>zây</i>
27) <i>mi a dilâ dard dârâ dard, jân zây! ku mâr tâb âvare.</i>	دل من پر از درد است درد، فرزندم! کدام مادر تاب می‌آورد؟	
28) <i>dâni zây! diruz mirz ahmad xânâ marzdašti mâr xu umrâ tæra fada.</i>	میدونی فرزندم دیروز مادر میرزا احمدخان مرزداستی عمرش را به تو داد (فوت کرد)؟	
29) <i>zâk ti šin dorogquyæ mâr!</i>	بچه تو دروغگوست، مادر جان!	<i>zâk</i>
30) <i>ti zâk (h)am mi zâkâ mâne.</i>	بچه تو هم شبیه بچه من است.	<i>zâk</i>
31) <i>zâk xu mârâ dinâ, dum birun âværa.</i>	بچه، مادرش را می‌بیند، دم درمی‌آورد.	<i>zâk</i>
32) <i>čutu vâ mi zakâ javâbæ bædam.</i>	چطور باید جواب پسر من را بدهم؟	<i>zâkâ</i>
33) <i>un mi zâkâ salâmâlâ.</i>	او هم سن بچه من است.	
34) <i>ti zâk (h)am mi zâkâ mâne.</i>	بچه تو هم شبیه بچه من است.	

حالت‌های *ak*- در زبان گیلکی هم، مانند دیگر زبان‌های حوزه جنوبی کاسپین عمل می‌کند و معنای تخفیر از آن به دست نمی‌آید. همان طور که از مثال‌های شماره ۲۹ تا ۳۱ مشخص است، *zâk* شکل فاعلی / نهادی اسم فوق است.

وند *ə*- که به اسم‌های گیلکی می‌پیوندد، حالت‌های غیرفاعلی است. این حالت‌ها به شکل ساده اسم متصل می‌شود. طبق مثال‌های شماره ۳۲ تا ۳۴ جدول بالا، شکل غیرفاعلی (متمم ازی، متمم بایی، متمم برایی، مفعولی، و...) اسم فوق، *zâka* است. همان طور که در مثال‌های شماره ۲۴ و ۲۵ جدول بالا آمده است، *zâ* حالت اضافی اسم مورد نظر است.

از بررسی داده‌ها و توجه به گفتگوی گویشوران، این نکته برمی‌آید که شکل *zây* بیشتر برای حالت نهادی به کار می‌رود؛ *ay*- وندی است که گویا برای اشاره به اسامی معرفه به کار می‌رفته است. امروز که اسم‌های گیلکی، بیشتر مانند اسم‌های زبان فارسی معرفه و نکره می‌شوند، این اسامی خانوادگی هم به تدریج شکل معرفه و نکره خود را از دست داده‌اند. نمونه‌هایی از شکل معرفه اسامی خانواده با وند *ay*- در زبان گیلکی:

35) *a marday ku yâ bušu, nânəm.*

آن مرد کجا رفت، نمی‌دانم.

وند *ay*- گاهی برای نشان دادن حالت اضافی به اسامی خانوادگی اضافه می‌شود؛ مانند:

36) *bugu bidinəm ti marday či kunə?*

بگو ببینم همسرت چه کار می‌کند؟

طبق مثال‌های شماره ۲۶ تا ۲۸ جدول بالا، *zây* حالت ندایی اسم است. البته چنان‌که در بالا ذکر شد، گویشوران امروزی، به‌ویژه جوان‌ترها، تحت تأثیر زبان فارسی، حالت‌های صرفی مختلف اسم را درست به کار نمی‌برند؛ به همین سبب نمی‌توان به داده‌های زبانی آنها چندان اعتماد کرد. برای نمونه، شواهد زیر نتایج پیشین را تقض می‌کند:

37) *mi zây jân diruz xu nâhârə nuxurd.*

بچه عزیزم دیروز نهارش را نخورد.

38) *man kuçi zây bum, tu kâsib bi.*

من بچه بودم، تو کاسب بودی.

zây در مثال‌های ۲۶ تا ۲۸، نهادی بود، حال آن‌که در مثال‌های ۳۷ و ۳۸ چنین نیست. به

هر روی، اسم مورد مطالعه در زبان گیلکی، یکی از اسم‌های خانوادگی است که حالت‌نمایی ویژه‌ای دارد و با اسم‌های غیرخانوادگی از این منظر کمی متفاوت است.

۶-۱-۳-۲ *mârd/marday/madak/mardakə* (مرد، شوهر)

«مرد» هم در زبان گیلکی از جمله کلماتی است که شکل‌های مختلف نحوی به خود می‌گیرد. در زیر شواهدی از حالات متفاوت اسم «مرد» در این زبان ذکر می‌شود:

جدول شماره ۵: حالت‌های مختلف اسم «مرد» در زبان گیلکی مرکزی

39) <i>mi mard mərə bəbardə mašhhad.</i>	شوهرم مرا برد مشهد.	<i>mard</i>
40) <i>mi amjân mard marə bihe.</i>	شوهر عمه‌ام برایم خرید.	
41) <i>mi xâxur zâ mard re bubust</i>	خواهرزاده‌اش ازدواج کرد.	
42) <i>u marday ami bajârə sar kar kudi.</i>	آن مرد در بजार ما کار می‌کرد.	<i>marday</i>
43) <i>marday i tâ puzxand bəze.</i>	مَرده یک پوز خندی زد	
44) <i>a marday ku yâ bušu, nânəm.</i>	آن مرد کجا رفت، نمی‌دانم.	
45) <i>mardak na bənâ na usâd, faqat xu turša xikâ bədâtə u taraf.</i>	مرد نه گذاشت، نه برداشت (حرفی نزد) فقط خیک ترشی را برداشت [و] گذاشت آن طرف.	<i>mardak</i>
46) <i>mardak.â fandarəstəm.</i>	به مرد نگاه کردم.	
47) <i>an mardakə bəbardidi.</i>	آن مرد را بردند.	<i>mardak.ə</i>
<i>mi čišm fakatə yek ta pirə mardakə.</i>	چشمم به یک پیرمرد افتاد.	<i>mardak.ə</i>

۶-۱-۳-۳ *zan/zanay/zanak/zanakə* (زن، همسر)

اسم «زن» هم در زبان گیلکی شکل‌های نحوی گوناگونی به خود می‌گیرد. در زیر شواهدی از حالات متفاوت اسم «زن» در زبان گیلکی مرکزی ذکر می‌شود:

جدول شماره ۶: حالت‌های مختلف اسم «زن» در زبان گیلکی مرکزی

48) <i>an zan bogofta.</i>	آن زن گفت.	<i>zan</i>
49) <i>zanây ja darâ lây bogofta.</i>	آن زن از لای در گفت.	<i>zanay</i>
50) <i>hamsâda zanâk ja xu xâna dâd zeyi.</i>	زن همسایه از خانه داد می‌زد.	<i>zanak</i>
51) <i>a zanâk kêrâ, telefon bogod zakâna ja idâra fâkašâ bâvêrad iyâ.</i>	کار آن زن است؛ تلفن کرده بچه‌ها را از اداره کشیده اینجا.	
52) <i>tond vâgardâs zanâkâ taraf boland bogofta.</i>	تند برگشت به طرف زن و بلند گفت.	<i>zanak.a</i>
53) <i>a tarafi itâ biva zanâkâ jaqal maqal dâra.</i>	آن طرفی یک زن بیوه است که بچه مچه دارد.	

همان‌طور که ملاحظه شد، در زبان گیلکی، اسامی خانوادگی برخلاف دیگر اسامی این زبان، در مواضع نحوی گوناگون، شکل‌های ویژه‌ای به خود می‌گیرند که بازمانده حالت‌های صرفی چندگانه (هشت‌گانه / شش‌گانه) اسم در ایرانی باستان است؛ این حالت‌ها، در دوره میانه به دو شکل صریح و غیرصریح (یا فاعلی / غیرفاعلی) کاهش پیدا کرده‌اند اما تا به امروز در شماری از زبان‌های ایرانی - دست‌کم در اسامی خانوادگی - باقی مانده‌اند. شایان ذکر است که در زبان تاتی و تالشی هم وضع به همین گونه است (برای آگاهی بیشتر درباره حالت‌نمایی زبان تاتی خلخال، نک: سبزه‌علی‌پور / ایردی‌فر، ۱۳۹۳).

در ادامه، اسامی خانوادگی از نظر ساختار بررسی می‌شوند، تا نشان داده شود این اسامی در طرز ساخت هم با دیگر اسامی تفاوت دارند.

۷- بررسی ساختار اسامی خانوادگی

اسامی خانوادگی زبان‌های کرانه کاسپین، از نظر ساختار نیز قابل بررسی هستند؛ مثلاً در زبان گیلکی این اسامی ترکیب‌هایی سه‌جزئی، چهارجزئی و گاه پنج‌جزئی می‌سازند؛ در تاتی و تالشی اسامی مربوط به خانواده شوهر (مانند: پدرشوهر، مادرشوهر، برادرشوهر و خواهرشوهر) همه

ساده هستند و اسم‌های مربوط به خانواده زن (پدرزن، مادرزن، برادرزن و خواهرزن) همه مرکب. در ضمن، واژه زن در بخش آغازین این واژه‌های مرکب قرار دارد، مانند: زن خاو (خواهر زن).

۱-۷ تاتی گونه دروی

در تاتی دروی، اسم‌های خانوادگی، همیشه ساده هستند؛ یعنی وقتی می‌گوییم: «خواهر»، واژه خواهر در معنای مطلق آن مد نظر ماست، مگر آنکه اسمی قبل و بعدش بیاید و مقیدش کند. اما اگر بخواهیم به خواهر زن اشاره کنیم، کلمه، مرکب می‌شود، در حالی که برای اشاره به خواهر شوهر از کلمه ساده استفاده می‌شود. اصطلاحات خویشاوندی در تاتی گونه دروی به شرح زیر است:

جدول شماره ۷: اسامی خانوادگی در تاتی دروی

اسامی مربوط به خانواده زن	اسامی مربوط به خانواده شوهر
<i>zen pe</i> (پدرزن)	<i>xasura</i> (پدر شوهر)
<i>zen mâ</i> (مادرزن)	<i>xəsərg</i> (مادر شوهر)
<i>zen xâv</i> (خواهرزن)	<i>ira</i> (خواهر شوهر)
<i>zen bərá</i> (برادرزن)	<i>xəyvar</i> (برادر شوهر)

همان‌طور که در جدول شماره ۶ دیده می‌شود، اسامی مربوط به خانواده شوهر همگی ساده و اسامی مربوط به خانواده زن همگی مرکب دوجزبی هستند. نکته دیگر اینکه اسامی ستون اول (اسم‌های مربوط به خانواده شوهر) گرچه همگی ساده هستند، ولی مانند اسامی ساده خانوادگی که در بخش پیشین ذکر شد، دو شکل خاص فاعلی و غیرفاعلی ندارند و مثل سایر اسامی زبان تاتی حالت فاعلی و غیرفاعلی می‌گیرند. مانند:

54) *čəman xasura bəše*. پدر شوهر (فاعلی) من رفت.

55) *čəman xasura bind*. پدر شوهر من (غیرفاعلی) دید.

در هر دو جمله ۵۴ و ۵۵، *xasura* (پدر شوهر) به یک شکل ظاهر شده است. اسم‌های مربوط به خانواده زن نیز، گرچه مرکب هستند، اما مانند اسامی خانوادگی حالت می‌گیرند و از نظام حالت نمایی سایر اسامی زبان تاتی پیروی نمی‌کنند. مانند:

56) *ča zen mâ ča na xaš bə*. مادر زنش (فاعلی) با او خیلی خوب بود.

57) *ča zen mar bāt*. مادر زنش (غیرفاعلی) گفت.

۲-۷ تالشی گونه پرمسری

در زبان تالشی هم - مانند زبان تاتی - اصطلاحات خویشاوندی طرز ساخت خاصی دارند. اسم‌های مربوط به اعضای خانواده شوهر همه ساده و اسامی مربوط به خانواده زن همگی مرکب دوجزئی هستند.

جدول شماره ۸: اسامی خانوادگی در تالشی پرمسری

خانواده زن		خانواده شوهر	
خواهر زن	<i>žen xâlə</i>	خواهرشوهر	<i>ira</i>
برادر زن	<i>žen bərâ</i>	برادر شوهر	<i>xəri/xəyvar</i>
پدر زن	<i>žen dada</i>	پدر شوهر	<i>xasura</i>
مادر زن	<i>žen nana</i>	مادر شوهر	<i>xəsərg</i>

رضایتی کیشه‌خاله و همکاران در بحث درباره نموده‌های اجتماعی و مردم‌شناختی در گویش تالشی ضمن اشاره به این نکته نوشته‌اند:

وجود تک‌واژه‌های خویشاوندی در خانواده مرد بر وضع واژگان جدید و مستقل و در نهایت، اهمیت و برتری مرد بر زن در نظام اجتماعی و فرهنگی دلالت می‌کند، به‌عکس، استفاده از امکانات موجود زبان و وضع عناوین جدید از راه ترکیب برای خویشاوندان و منسوبان زن نشانه منزلت پایین زن و خانواده او در مقابل خانواده مرد است (رضایتی کیشه‌خاله و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۹).

نگارنده، در این جستار قصد بررسی جامعه‌شناختی این اسامی را ندارد؛ اما همین خاص بودن نظام ساخت واژه‌های خویشاوندی در تالشی خود مؤید این نکته است که ساختار صرفی و نحوی اصطلاحات خویشاوندی در این زبان با دیگر اسامی آن زبان تفاوتی اساسی دارد.

۳-۷ گیلکی مرکزی

یکی از راه‌های ساخت اسم در زبان‌های ایرانی، ترکیب است؛ از طریق این فرآیند دو یا چند تک‌واژه

قاموسی کنار همدیگر قرار می‌گیرند و کلمه تازهای می‌سازند (نک: طباطبایی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰). در زبان فارسی اغلب دو تکواژ کنار هم قرار می‌گیرند؛ مانند: «کتاب‌خانه»، گرچه ترکیب سه‌جزئی هم در زبان فارسی داریم؛ مانند: «آقا بالاسر»، «گلاب‌پاش»، «خط‌نگ‌دار»، «صداخفه‌کن» و غیره (نک: محمودی‌بختیاری، ۱۳۸۹: ۳۲). ترکیب‌های بزرگ‌تر از این، یعنی چهارجزئی و بیشتر در زبان فارسی گزارش نشده است، اگر هم باشد چندان رایج نیست؛ اما در اسامی خانوادگی زبان گیلکی، ترکیب سه‌جزئی، چهارجزئی و حتی پنج‌جزئی هم وجود دارد.

۱-۳-۷ اسامی خانوادگی سه‌جزئی در زبان گیلکی (مثال‌ها از رضایتی کیشه‌خاله و چراغی، ۱۳۸۷):

<i>mard zā xāxur</i>	شوهر خواهرزاده
<i>bārār zā zān</i>	زن برادرزاده
<i>pāsər zān xālā</i>	زن پسرخاله
<i>mard xuxtər de</i>	شوهر دختردایی

۲-۳-۷ اسامی خانوادگی چهارجزئی در زبان گیلکی

<i>mard zā pāsər am</i>	شوهر فرزند پسرعمو
<i>zān zā duxtər de</i>	زن فرزند دختردایی
<i>zān zā xāxur zān</i>	زن خواهر زاده زن

۳-۳-۷ اسامی خانوادگی پنج‌جزئی در زبان گیلکی

<i>mard zā pāsər am zān</i>	شوهر فرزند پسرعموی زن
<i>zān pāsər zā xālā zān</i>	زن فرزند پسرخاله زن
<i>mard zā duxtər de mardə</i>	شوهر فرزند دختردایی شوهر

گسترده‌گی روابط خویشاوندی به‌طور چشمگیری به ساخت و کاربرد اصطلاحات خویشاوندی ترکیبی در گویش گیلکی انجامیده است. هرچند در زبان فارسی زایایی واژه‌های ترکیبی خویشاوندی بی‌نهایت است، اما عملاً ترکیب بیش از سه جزء نداریم: پسرعمو، دخترعمو، زن برادر زن، زن پسرعمو، شوهر

دختردایی و غیره. چنانکه دیده می‌شود، اصطلاحات سه‌جزئی عموماً به صورت ترکیب اضافی به‌کار می‌روند و عبارات چهارجزئی، نظیر شوهرِ فرزندِ دخترِ عمو، حتی به صورت ترکیب اضافی مستعمل نیست. همچنین عبارات سه‌جزئی کاربرد خطابی ندارند و تنها برای ارجاع به‌کار می‌روند. در قیاس با فارسی، واژه‌های خویشاوندی گیلکی تا پنج جزء گسترش می‌یابند و واژگان ترکیبی غیراضافی، هم کاربرد ارجاعی دارند و هم کاربرد خطابی (رضابتی کیشه‌خاله و چراغی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

۸- نتیجه‌گیری

در همهٔ زبان‌ها، شمار زیادی واژه برای اشاره به افراد خانوار یا خانواده (اعم از سببی یا نسبی) وجود دارد و هیچ زبانی از این نظر مستثنی نیست. این اسامی خانوادگی که به نوعی از نخستین اسم‌های یک زبان محسوب می‌شوند، هم از نظر ساخت و معنا، هم از نظر جامعه‌شناسی و غیره قابل بررسی هستند.

در این مقاله نشان داده شد که اسامی خانوادگی سه زبان گیلکی، تالشی و تاتی از نظر نحوی و ساختارهای مختلف نحوی، شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، شکل خاص اسم یا گروه اسمی را نقش نحوی آن در درون جمله مشخص می‌کند. گرچه چنین حکمی دربارهٔ همه اسم‌های یک زبان صادق است؛ اما نکته اینجاست که شکل نحوی اسامی خانوادگی مختص خود آنها است و با دیگر اسامی آن زبان تفاوت دارد. طرز ساخت این اسامی هم کمی با بقیهٔ اسامی متفاوت است؛ به عنوان مثال، در زبان تاتی و تالشی اسم‌های مربوط به خانوادهٔ شوهر همگی ساده، ولی اسم‌های مربوط به خانوادهٔ زن، همگی مرکبی هستند و در آنها کلمه زن تکرار شده است. از طرف دیگر، اصطلاحات خویشاوندی گاهی تا پنج جزء قابل گسترش هستند؛ یعنی مرکب پنج‌جزئی می‌سازند، در صورتی که نام‌های دیگر این زبان، کلمات مرکب پنج‌جزئی وجود ندارد.

کتابنامه

- استاجی، اعظم (۱۳۹۴). «بررسی اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی»، مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، شم ۱۳: ۱-۱۹.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۴). *زبان و تفکر*، تهران: زمان.
- بیتس، دانیل و فرد پلاک (۱۳۷۵). *انسان‌شناسی فرهنگ*، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: انتشارات

علمی.

جهری، محمدحسین (۱۳۸۴)، *بنفشه‌گول (مجموعه داستان گیلکی)*، رشت: گیلکان.
راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۴)، «نشانه مطابقت مفعولی در فارسی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران*، به کوشش مصطفی عاصی: ۲۷۵-۲۸۵.
رضایی کیشه‌خاله، محرم/ چراغی، رضا (۱۳۸۷)، «واژه‌شناسی اجتماعی گویش گیلکی: مطالعه موردی اصطلاحات خویشاوندی و جنسیت»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ش ۱۶۱: ۹۵-۱۱۰.
رضایی باغ‌بیدی، حسن (۱۳۸۸)، *تاریخ زبان‌های ایرانی*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
سبزه‌لیپور، جهماندوست (۱۳۹۱)، *بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی (خلخال)*، تالش و گیلکی، گیلان: دانشگاه گیلان.

_____ / ایزدی‌فر، راحله (۱۳۹۳)، «نظام حالت‌نمایی در گویش تاتی خلخال»، *جستارهای زبانی*، دوره ۵، ش ۴: ۱۰۳-۱۲۳.

طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰)، «ترکیب در زبان فارسی»، *نامه فرهنگستان*، شماره‌های ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۳.

مجمودی بختیاری، بهروز (۱۳۸۹)، «ترکیب‌های نحوی در زبان فارسی»، *مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، دوره ۲۳، ش ۳: ۳۲-۳۶.

معمدی، مهاجر/ موسوی، میرعماد (۱۳۹۷)، *دوارسه شو (مجموعه داستان گیلکی)*، رشت: فرهنگ ایلیا.
منصوری، مهرزاد/ رحانی، شفق (۱۳۹۴)، «نظام واژه‌های خویشاوندی در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، س ۵، ش ۱۰: ۱۵۷-۱۷۵.

نصرتی سیاه‌مزگی، علی (۱۳۹۶)، «ساخت واژگان خویشاوندی تالشی با رویکرد اجتماعی»، *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، س ۲، دوره اول، ش ۳: ۱۲۵-۱۴۵.

Jackson, A. V. W. (2004/1383), *Avesta Grammar and Reader*, with an Introduction in Persian by H. R. Baghbidi: Tehran.

Kent, R. (1953), *Old Persian*, Tehran.

Morgan, L. H. (1871), *Systems of Consanguinity and Affinity of the Human Family*, Washington.

Nyberg, H. S. (2003), *A Manual of Pahlavi*, vol. II: Ideograms, Glossary, Abbreviations, Index, Grammatical Survey, Corrigenda to vol. I, Tehran.

Tallerman, M. (1998), *Understanding Syntax*, London.

Yar-Shater, E. (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, Mouton.

Syntactic and Morphological Study of Kinship Terms in Caspian Languages

Jahandust Sabzalipour
Islamic Azad University, Rasht

Abstract

Kinship terms are words used to identify relationships between individuals in a family and to address these individuals in a speech community, such as, father, mother, brother and daughter. These names act independently in syntax and morphology in some languages. This independence is not frequently found in other areas of these languages. This article focuses on kinship terms in Caspian languages (i.e., *Gilaki*, *Taleshi* and *Tati*). *Rashti* dialect has been selected from *Gilaki* language, *Parasari* dialect has been selected from *Taleshi* language and *Deravi* dialect has been selected from *Tati* language. The data analysis of this research shows that in these dialects the nominative and non-nominative cases of kinship terms are different from the same cases of other words in these dialects. These terms have their exclusive forms for the nominative and non-nominative cases. In terms of morphology there are also specific rules for these terms; for example, in kinship terms of *Gilaki* language we can see five-part compound names; this phenomenon not only is rare in other Iranian languages, but also in other compound names in *Gilaki*.

Keywords: *Caspian Languages, Kinship Terms, Gilaki, Taleshi, Tati.*